

---

❖

**مفیستو**

**داستان یک پیشرفت شغلی**

---

❖

کلاوس مان

ترجمه‌ی  
فرزانه شجاعی آزاد



انتشارات مروارید

## ه. ک.

در آخرین سال‌های جنگ جهانی و همین‌طور اولین سال‌های پس از انقلاب نوامبر، تئاتر ادبی در آلمان رونق گرفته بود. با وجود اوضاع اقتصادی سخت، اوضاع آقای مدیر، اسکار ه. کروگه، بسیار خوب بود. او تئاتر کوچکی را در فرانکفورت آ. ام.<sup>۱</sup> اداره می‌کرد.

وقتی اجرای جدید قطعه‌ای نمایشی از ودکیند<sup>۲</sup> و یا اشترنبرگ<sup>۳</sup> یا اجرای مجدد اثری از گئورگ کایزر<sup>۴</sup>، اشترنهایم<sup>۵</sup>، فریتس فون اونرو<sup>۶</sup>، هازن کِلور<sup>۷</sup> یا تولر<sup>۸</sup> در پیش بود، مجمع روشنفکران شهر و قبل از همه، جوانان پرشور و هیجان‌زده از حوادث و دوستدار بحث و ابراز احساسات، در این اتاق کوچک، مطبوع و صمیمی دور هم جمع می‌شدند. اسکار ه. کروگه، که خودش مقاله می‌نوشت و شعر می‌سرود، معتقد بود که تئاتر مؤسسه‌ای

---

۱. Frankfurt am Main بزرگ‌ترین شهر ایالت هسن در آلمان.

۲. Wedekind نویسنده، درام‌نویس نامی و روزنامه‌نگار آلمانی و از پیشروان سبک اکسپرسیونیسم بود.

3. Stenberg

۴. Georg Kaiser نمایشنامه‌نویس موفق آلمانی در سبک اکسپرسیونیسم (۱۸۷۸-۱۹۴۵)

۵. Sternheim نمایشنامه‌نویس آلمانی (۱۸۷۸-۱۹۴۲)

۶. Fritz von Unruh نویسنده، شاعر، نقاش آلمانی (۱۸۸۵-۱۹۷۰)

7. Hasenclever

۸. Toller نویسنده و سیاستمدار آلمانی (۱۸۹۳-۱۹۳۹)

آموزنده است: از طریق صحنه‌ی نمایش باید نسل جدیدی برای آرمان‌هایی تربیت شوند که تصور می‌شد زمان تحقق‌شان فرا رسیده است - آرمان‌های آزادی، عدالت و صلح. اسکار ه. کروگه انسانی پرشور، خوشبین و ساده بود. او قبل از ظهر یکشنبه، پیش از اجرای قطعه‌ای نمایشی از تولستوی یا رابیندرانات تاگور نطقی برای حاضران ایراد کرد که در آن کلمه‌ی «بشریت» بارها تکرار شد. او با صدایی پرهیجان خطاب به جوانانی که در پارک<sup>۱</sup> ازدحام کرده بودند گفت: «خودتان را باور داشته باشید برادران!» - و از آنجایی که نطقش را با سخنانی از شیلر پایان داد، شدیداً مورد تشویق قرار گرفت: «متحد شوید ای ملت!»

اسکار ه. کروگه در فرانکفورت آ. ام. و همه‌جای آن منطقه، که از اجراهای جسورانه‌ی تئاتر فرهنگی استقبال می‌شد، بسیار محبوب و مورد احترام بود. چهره‌ی پراحساس‌اش، با آن پیشانی بلند و پرچروک، موهای خاکستری کم‌پشت، چشمانی باهوش و مهربان در پشت عینکی با قاب طلایی باریک، اغلب در نمایش‌های موزیکال طلایه‌داران و حتی گاهی در مجلات مصور مشهور، مشاهده می‌شد. اسکار ه. کروگه جزو فعال‌ترین و موفق‌ترین پیشگامان تئاتر اکسپرسیونیسم بود. بی‌تردید اشتباه بزرگ او - خیلی زود متوجه این اشتباه شد - این بود که از سالن تئاتر کوچک و شادش در فرانکفورت چشم‌پوشی کرد. البته تئاتر هنرمندان هامبورگ، که مدیریت آن در سال ۱۹۲۳ به او پیشنهاد شد، بزرگ‌تر بود. به همین دلیل هم او این پیشنهاد را پذیرفت. اما تا مدت‌ها تماشاگران هامبورگی، مثل آن جمع کارکشته و شیفته‌ای که تئاتر فرانکفورت به آن عادت داشت، رغبتی به نمایشنامه‌های پرشور و حرارت و سطح‌بالا نشان نمی‌دادند. کروگه مجبور بود به‌جز نمایشنامه‌هایی که قلباً به آنها علاقه‌مند بود، کماکان «سرقت زنان سابین» و «پانسیون شولر» را هم در تئاتر هنرمندان هامبورگ به نمایش بگذارد و این امر او را آزار می‌داد. هر جمعه، وقتی برنامه‌ی اجرای